



شماره هشتم	اول سنبله ۱۳۴۱	سال بیستم
------------	----------------	-----------

عبدالحی حبیبی

اوضاع مالی و اقتصادی افغانستان

در قرون نخستین اسلامی

در عصر خلافت امویان و اوایل دوره عباسیان فتوحات اسلامی با افغانستان و بلاد هند و هند غربی رسید و بنا بر آن اکثر پیداوار هند از قبیل ادویه و عقاقیر و منسوجات و مصنوعات هندی از مراکز تجارتی ملتان و دیبل و منصوره و ویندو ارور (روهری) و قندابیل (گنداوی) و قزدار (خضدار کنونی) و غیره شهرهای معمور طوران و وادی سند، براه زابل و سیستان و هرات و فارس و عراق و بلاد متمدن عربی مانند بغداد و دمشق و غیره بطور تجارت برده می شد و بقول اصطخری و ابن حوقل فانیذ (شکر سپید) قزدار و مکران و طوران (بلوچستان کنونی) در تمام خراسان و عراق تجارت می شد و طوریکه البشاری مقدسی گوید: کارخانهای

بزرگ نوع اعلی و سپید، دانه دار شکر در طوران بود.

هكذا قوافل تجارتی پنجاب از راهای پشتونستان کنونی بکابل و غزنه و خراسان و بخار او ماوراءالنهر میگذشتند، و از آنجا اموال چینی را بهند انتقال میدادند.

از امتعه معروف تجارتي، منسوجات ابریشمی خراسان و مرو بودند، که قوافل آن به چین نیز می رفتند، و بقول هید این تجارت در عصر عبا سیان وسعت تمام یافته بود (۱) که ظروف هندی و آهن خراسان و منسوجات رنگین کشمیر، و عود و مشک و دارچینی از چین، و عود و قرنفل و نار گیل و البسه نخعی و فیل هند و سند از راه افغانستان باراضی غربی کشور عربی برده می شدند (۲).

چون باثر استقرار حکومت اسلامی در خراسان امنیت روی داد، لهادر بلاد سامانیان، تجارت چین اذدر زیادت شد، و هم چون فتوحات سلطان محمود کهور وسیع هند را باممالک عربی وصل کرد، لهادر اوضاع تجارتي تمام خراسان و ممالک آسیای وسطی پیشرفت نمایانی کرد (۳).

ابوزید سیرافی گوید: که از هندوستان قوافل متواتر بخراسان و از آنجا بهند می آیند. راه این قوافل بزرگ، زابلستان (وادی ترنگ و ارغنداب) است (۴) که از همین جا، براه قزدار و کیزکان (قلات) و مکران می روند، و براه شال (کوئته) و دره بولان و سیبی باسند نیز تجارت میگرداند. و منسوجات ساخت هرات بقول ابن اثیر شهرت بسزائی داشت (۵).

بقول جوزجانی: بلخاری نیز از مراکز تجارتي هند بود، که در آن تجارهند و خراسان بودند، و تجارت مشک آن مشهور بود (۶) همچنان جلوت و بلوت و لمغان و دینور (جلال آباد) و و بهند مراکز تجارتي هند و خراسان بودند، که امتعه تجارتي شهر اول الذکر، نیشکر و گاو و گو سپند و از آخر الذکر مشک و گوهر و جامهای گرانبها بود (۷) و مقریزی و قتیقه از انواع منسوجات معروف مصر تمام می برد، دزان پارچهئی را بنام خراسان نیز در ردیف نفایس زربفت و مخمل و غیره می شمارد (۸).

(۱) تاریخ تجارت در عصر اموی ص ۳۷

(۲) حضارة الاسلام فی دارالسلام ص ۱۱۷ (۳) تاریخ الاسلام السیاسی ۳/۳۲۲

(۴) کتاب الهند، والسند ۲۰۱ (۵) الکامل (۶) حدود العالم ۴۳

(۷) ایضاً ۴۶ (۸) خطط مقریزی ۱۷۴

اما خراسان بقول جوزجانی مولف حدود العالم، سرزمینی بود آبادان و بانعمت و دارای معادن از سیم و جواهر، و پیدایش گاه اسپ و جامه‌ها و پیروزه و داروها و ابریشم و پنبه، که مرکز بزرگ تجارتهی آن نیشاپور بود، اما امتعه مشهور پیدوار شهرهای خراسان عبارت بودند:

ازهرات: کرباس و شیرخشت و دوشاب.

ازمالن: مویز طایفی.

ازکروخ: کشمش.

ازمرو: پنبه اعلی و جامه‌های قزین و سرکه.

ازگوزگانان: (سرپل کنونی) اسپان خوب و نمد و تنگ اسپ و زیلو و پلاس.

ازتالقان: نبیذ و نمد.

ازکندرم: نمد.

ازبلخ: ترنج و نارنج و نیشکر و نیلوفر.

ازتخارستان: گوسپند و غله و میوه‌های گوناگون.

ازسمنگان: نبیذ و میوه.

ازبنجهیر: (پنجشیر کنونی) سیم و نقره.

ازغور: پرده و زره و جوشن و اسلحه نیکوستانی.

ازسیستان: فرشها و زیلو و خرما و انگور.

ازبست: (مرکز بزرگ تجارت هند) میوه‌های خشک و کرباس و صابون.

ازدرغش: (زهینداور) زعفران.

ازبدخشان: سیم و زر و بیجاده و لاجورد (۱).

المقدسی در باره اوضاع اقتصادی برخی از بلاد معلومات مغتنمی دارد، که

ازان جمله است: در بدخشان: معدن جوهر یست شبیه به یاقوت که غیر از انجا

یافته نشود. معادن لاجورد و بلور و سنگ پادزهر و سنگ فتیله که بدان چراغ

افروزند نیز در انجاست . در غزنی نر خهارزان است و گوشت های آن خیلی پاکیزه است . بست دزای خرمای اعلی و انگور فروان و سدر و ریحان ، و هرات - پیدایشگاه انگور زیاد و میوه های فراوان و گنجدودر شاپ و پولادو پسته و انگوزه دیباج و زبیب طایفی است .
 در مرو : قزو ابریشم و پنبه و گاو پنبه و شیر و مس و گنجدو زبیب و عسل و انجیر و انار و زاگو و کبریت و روی و زرنیخ و در غر ج الشار نقره و نمد و اسپ اعلی و استرودر و الوالج : جوز ، پسته برنج و نخود و شاخ و پوست های روباه و معادن طلا در پروان و پنجشیر (پنجشیر) پیدامی شود (۱)

ابن حوقل از ندان و خرمای و انگور و انگوزه سیستان ، و غلات رنج ، و نخیل و انگور های بست (تجارت گاه هند) و زالقان (زله خان کنونی) و فیروز قند (کشک نخود) و سروان (ساروان قلعه کنونی زمینداور) به تخصیص ذکر مینماید و کشمش و زبیب طایفی که روخ هرات را که به تمام ممالک تا عراق صادر می شد خیلی می ستاید ، و از جامه های نخی کابل که به خراسان و چین و سند برده می شد و معادن آهن این جا خبری میدهد (۲) .
 فون کریمر محقق الهمانی گوید : که شمشیر های شبرقان (شبورغان کنونی) در کشور عباسیان خیلی شهرت داشت و شمشیر های مهیند (هندی) نیز ازین راه تجارت میشد (۳) نمد و مفر و شات پشمی (کلم) تالقان و قالین آنجا شهرتی داشت و از منسوجات گرم آن ردا و عبا و مخصوصاً مستعمل بود . (۴)

شهر های معظم که در خراسان و سیستان و زابل مراکز تجارت و بازرگانی بودند ، دلیل اند بر ترقی زراعت و آبیاری و تجارت و صنعت .
 تا جایی که از اوراق تاریخ مستفاد می شود ، دولت اموی و آل عباس بغداد ، عایدات ذیل را بصور خراج و جزیه و زکاة و خمس غنائم و عشور و عایدات زمینهای مخصوص ازین سرزمین داشت :

۱- حسن التقاسیم ۳۰۰ بیعد . (۲) سورة الارض ۴۱۸ بیعد

(۳) تهذیب مشرق در عصر خلفاء ترجمه اردو ، ص ۲۲ (۴) سورة الارض ابن حوقل ، ص ۲۱۳

از خراسان (۲۸۰،۰۰۰،۰۰۰) درهم (۲۰،۰۰۰) قطعه نقره .

(۴،۰۰۰۰۰) حیوان باربر دار (۱۰،۰۰۰) غلام .

(۲۰،۰۰۰۰۰) لباس (۳۰،۰۰۰) رطل هلیله

از سجستان : (۴،۰۰۰،۰۰۰) درهم (۳۰۰) دست لباس (۲۰) هزار

رطل فانیند (شکر سفید)

از طوران و مکران : (۴۰۰،۰۰۰) درهم (۱)

اما بقول قدامه بن جعفر در حالت سلج عایدات دولت عباسیه چنین بود :

از خراسان : سی و هفت ملیون درهم

از سجستان : یک ملیون درهم .

از طوران و مکران : یک ملیون درهم (۲)

اما مولف نا معلوم تاریخ سیستان ، عمل سیستان را پس از اسلام بقرار صلح در قدیم چنین می نویسد :

از کورتهای سجستان ، بست ، رخد ، کابل ، زابلستان ، فوزاد ، زمینداور ،

اسفزار و خجستان : الف الف درهم (یک ملیون)

عمل خراسان تا غایت حد اسلام ، بروزگار عبدالله بن ظاهر در حدود ۲۱۱ هـ :

سی و هشت ملیون درهم (۳)

باز همین مولف در شرح مالیات سیستان گوید : که تمام خراج سیستان به اندازه

(۵،۳۹۷،۰۰۰) درهم است ، که از آن جمله (۸۵،۰۰۰) درهم عایدات خالصه

و جزیه و باقی (۵،۳۱۲،۰۰۰) درهم از انواع خراج است (۴)

اما ابن خردادبه در حدود (۲۳۲ هـ) از روی اسناد معتبر رسمی ، معلومات مهمی

را فراهم آورده ، که سازمان اداری و مالیاتی در بار خلافت همان بود ، که قبل

(۱) کتاب الوزراء و الكتاب الجیشیاری ، ص ۲۸۱ - ۲۸۸ و تاریخ الثمن الاسلامی

جرمی زیدان ۵۳۲ بحواله ابن خلدون .

(۴) ایضاً ۳۰-۳۱

(۳) تاریخ سیستان ۲۶

(۲) کتاب الخراج ۲۴۹

از اسلام در خراسان رواج داشته است. پول طلایی دینار بود، که ۴۰، ۳۵ طلا داشت، و پول نقره درهم بود، که ۹۷، ۲ نقره داشت. در مالیات جنسی کیلی معمول بود، که کر (بضم اول) میگفتند معادل شش خروار. و این خرداذه به درآمد سر زمین های شرقی خلافت را چنین نگاشته است:

سیستان: (۶، ۷۷۶، ۰۰۰) درهم

رخج و زابلستان و زمینداور تا بخارستان: (۱۴۷، ۰۰۰) درهم

سرخس: (۳۰۷، ۴۰۰) درهم

مرو و شاهجان: (۱۴۷، ۰۰۰) درهم

مرورود: (۴۲۰، ۴۰۰) درهم

بادغیس: (۴۲۰، ۰۰۰) درهم

هرات و اسفزار و گنج رستاق: (۱، ۱۵۹، ۰۰۰) درهم

فوشنگ (غرب هرات): (۵۵۹، ۳۵۰) درهم

طالقان بین مرورود و بلخ: (۲۱، ۴۰۰) درهم

غرجستان، میان هرات و مرورود و غزنه: (۱۰۰، ۰۰۰) درهم دوهزار گوسپند.

نواحی بخارستان بین بلخ و جیحون: (۱۰، ۶۰۰) درهم

فاریاب: (۵۵، ۰۰۰) درهم

قبروغن: (قتهغن؟): (۴، ۰۰۰) درهم

گوزگانان: (۱۵۴، ۰۰۰) درهم

بونده: (۲۰۰۰) درهم

بروخان و بنجار: (۲۰۶، ۵۰۰) درهم

ختلان و بلخ و کوهستان آن: (۱۹۳، ۳۰۰) درهم

مندجان: (۲۰۰۰) درهم

خلم: (۱۲۳، ۰۰۰) درهم

روب و سمنگان: (۱۲، ۶۰۰) درهم

طخارو بامیان ۱۵۶،۴۳۲ درهم	غزنه ۶۰۰،۰۰۰ درهم
جوزجان ۲۲۰،۴۰۰	کابلستان ۱،۵۰۰،۰۰۰
مرورود ۲۳۷،۰۰۰	بلخ ۱۹۳،۳۰۰
سرخس ۹۰،۰۰۰	هرات ۱،۹۳۵،۴۲۱
مکران ۱،۰۰۰،۰۰۰ (۱)	مرو شاه جان ۱،۱۳۲،۱۸۴

درین عایدات مبالغی که از جزیه بدست می آمد، از اهل ذمه و ارباب ادیان دیگر دیگر سماوی غیر از اسلام گرفته می شد. و بقول امام ابو یوسف در خراسان فی فقره سده دینار معین بود که فقراء و نیازمندان از آن مستثنی بودند، و این مبلغ در عصر عبدالملک اموی مقرر شده بود (۲)

اماد در قسم خراج بقول مقریزی در عصر اموی از یکجریب تا کستان ده درهم و از بلخ نخلستان هشت درهم و از نیشکرزارشش درهم و از میوه زار پنج درهم، و از گندمزار چار درهم و از زمین حورو درهم مالیه اخذ می شد (۳)

حالا ما از مطالعات تاریخی فوق یک نتیجه می کشیم: مجموعه عواید مالی دولت عربی از اراضی خراسان از نیشاپور تا جاری سند و از جیحون تا بحیره عرب بقول قدامه و مؤلف نامعلوم تاریخ سیستان در حدود ۳۹ میلیون درهم، و بقول الجهشپاری و ابن خلدون در حدود ۳۵ میلیون، و بقول ابن خردادبه در حدود بیست میلیون بود. که حد متوسط آنرا میتوان از سی تا ۳۳ میلیون تخمین کرد.

اگر بقول مقریزی وزن هر ده درهم را شش تا هفت مثقال نقره بشماریم قیمت همین ۳۳ میلیون درهم را در حدود دوه میلیون افغانی کنونی تخمین می توان کرد.

تخمین مصارف در یکی از ولایات افغانی (۱)

راجع به عواید مالی دولت های عربی از خراسان معلومات متفرق طور یکه در بالا گفته شد در دست است. اما از مصارف آن اطلاعی نداریم. تنها مؤلف نامعلوم تاریخ سیستان فهرست دقیقی را از مصارف دولت در سیستان داده است.

(۱) ایضاً ۳۴۰ (۲) کتاب الخراج ۲۳ (۳) مقریزی ۲ / ۱۱۹ پیوسته (۱)

که میتوان از آن انواع و اندازه‌های مختلف مصارف حکومت را در آن عهد فهمید، و ما آنرا از یاد می‌آوریم، تافی الجمله موازنه کوچکی از بودجه دولتی یکی از ولایات آن عهد بدست آید: مؤلف مذکور عمل خراج سیستان را در حدود (۵۰۳۹۷۰۰۰۰) درهم بقلم داده (۱) و مصارف آنرا چنین شرح میدهد:

۲۰۰،۰۰۰	درهم	خاص برای سلطان (مصارف دربار شاهی)
۲۰۰،۰۰۰	درهم	راست کردن تیموق؟ (شاید بند دریای هلمند)
۱۲،۰۰۰	درهم	راست کردن باره (قلعه)
۴،۰۰۰	درهم	راست کردن کورها (خرابی‌های سیلاب)
۵۰،۰۰۰	درهم	راست کردن قلاع پراکنده
۲۰،۰۰۰	درهم	برای مجبو سان
۳۰،۰۰۰	درهم	مصارف ماه رمضان در مسجد جامع (۲)
۲۰،۰۰۰	درهم	برای هود نان تمام سیستان
۵۰،۰۰۰	درهم	خبریداری صدنقر بنده برای آزاد کردن هر سال
۴۰،۰۰۰	درهم	مصارف بیما رستان (شفاخانه)
۲۵۰،۰۰۰	درهم	بستن بندها
۳۰،۰۰۰	درهم	والی شرطه (پولیس)
۵۰،۰۰۰	درهم	بندار خراج و پیران او (رئیس مالیه)
۲۰،۰۰۰	درهم	صاحب مظالم (غالبا عدلیه)
۳۰،۰۰۰	درهم	ریگ بستنها (بندها برای دفع ریگ)
۵۰،۰۰۰	درهم	پرن (سدخاکی در معبر رودها)
۳۰،۰۰۰	درهم	پلها و جویها و معبر کشتی‌های هلمند

(۱) این عمل بقول شهزاده صفاری شاه حسین بن ملک غیاث‌الدین مولف احیاء الملوك در عهد

شاه رخ میرزا نبوری بهشت ملیون و پنجم دو دوازده هزار درهم يك مثقالی نقره میرسید.

(۲) بهر قاری و خادم و محافظ مسجد در ماه رمضان فی نفر بیست درهم (۱)

غیر از مصارف معین مذکور که مؤلف تاریخ سیستان اشاره میکند، بقیه عایدات را بر جای نهادندی و ذخیره کردندی، برای ابنای سبیل و ضعفا، نفقات و جامعه غرباء و مصارف دیگر یکه با اختیار والی بودی، و در دادن وامها و تعمیر خرابیها و غریق و مهمانیهای عیدها و بخور و غالیه نیز مصرف شدی (۱)

از روی احصائیه تاریخ سیستان بودجه یکساله آن ولایت چنین بدست می آید:

عایدات دولتی ۵,۳۹۷,۰۰۰ درهم

مصارف ۷۸۱,۵۰۰

باقیمانده پس انداز خالص : ۴,۶۱۵,۵۰۰

وازین تابلو آشکار است، که مصارف دولت در مقابل درآمد خیلی ناچیز بود، و شاید مؤلف تاریخ سیستان این احصائیه را از وقتی داده است، که سیستان آزادی داشته و مستقیماً با خلافت بغداد ملحق نبود، والا شاید در عصر خلافت بقیه همین مبلغ درآمد دولت به خزانه بغداد نقل می شد، و یا بصورت تحف و هدایا یا بدر بار خلافت ارمغان میگردید.

شروع مسکوکات و اوزان و اشکال

علاوه از مسکو کاتی که در دولت اموی و عباسی بنام خلیفه در تمام ولایات اسلامی ضرب شده، در خراسان تا مجاری سند، برخی از مسکو کات سابقه دولتهای غیر اسلامی نیز رایج بود، و گاهی بر مسکو کات سابقه شاهان ساسانی یا شاهان بودائی و مقامی گندها را و باختر و زابلستان، نام خلیفه و کلمه طیبه را هم ضرب میکردند طوری که مقریزی شرح میدهد: در عصر اسلامی حضرت عمر فاروق نخستین بار مسکو کاتی را بشکل و صورت دراهم کسروی (ساسانی) نشر کرد و بران لاله الا الله وحده و محمد رسول الله را نوشت، وزن این دراهم هر ده درهم شش مثقال نقره بود، و حضرت عثمان بران الله اکبر را نوشت.

در عصر امیر معاویه، زیاده بن ابوسفیان در بصره و کوفه در اهمی رارواج داد، که هرده درهم آن هفت مثقال نقره داشت. و سکه ئی که در دمشق از طرف امیر معاویه ضرب گردیده شکل انسانی داشت که در گردن وی شمشیر حمایل بود، در عصر اموی مصعب بن زبیر نیز در عراق بر اساس دراهم اموی سکه زد، و عبدالملک اموی نیز بذریعه حجاج در عراق دراهم مسودی را بوزن هر درهم شش دانگ (دوانیق) رواج داد، که بران قل هو الله احد نیز نوشت (۱)

امادر خراسان علاوه بر رواج مسکوکات اسلامی هر یکی از شاهان طاهری و سامانی و صفاری مسکوکات طلائی و نقره بر رسم الخط کوفی با نام شاه و خلیفه رواج داده بودند، و بسا از سکه های مضروبه شاهان سابقه ساسانی و دودمانهای محلی دیده شده، که بران علاوه بر نقوش سابقه آن بخط کوفی علایم اسلامی را هم ضرب داده و مروج ساخته اند. حتی در عصر سلطان محمود برخی از مسکوکات بر رسم الخط سنسکریت هم ضرب شده، و در لاهور بنام محمود دیور سکه زده است. و شهرهایی که دارالضرب بوده: غزنه، پروان، فشاپور، هرات، جوزجان، بلخ،

ولوالج (تخارستان) زرنج، بست و غیره اند. (۲)

بقول اصطخری و ابن حوقل از مسکوکات رایج در سمت مشرقی افغانستان تا مجاری سندسکه ئی بود بنام قنبری یا قنبریات و القندهاریات ابن حوقل که منسوب به گندهارا سرزمین بین کابل و راولپندی بود. و این مسکوکات را حکمران اسمعیلی ملتان و لودیان آنجا که پیش از عصر سبکتگین حکمرانی داشتند، نیز ضرب میکردند. و وزن هر قنبری مساوی پنج درهم عراقی بود، و همچنین مسکوک خالص طلائی مساوی سه درهم هندی بود (۳) و قنبری در غزنین نیز رواج داشت (۴) و تا چهل سال قبل مسکوکات (قندهاری) را بین خود مروج داشتیم.

(۱) نقود الاسلامیه مقریزی نسخه خطی مکتبه الظاهر دمشق.

(۲) لنگورت دیب، انسکلوپیدی اسلامی ج ۱.

(۳) مسالك الممالك اصطخری و صورة الارض ابن حوقل ۳۲۱ و انسکلوپیدی اسلامی

(۴) احسن النقايم ۴۸۱

قراریکه المقدسی اشاره میکند: معیاروزن «من» درمنصوره وملتان وقندهار
وطوران مساوی من مکی بود، وپیمانۀ دیگررا «کیجی» میگفتند مساوی ۴۰ من
که در کیج وطوران رواج داشت بقول اودر ویهند کنار اتک نر خپا آنقدر ارزان
بود، که سی من غسل را بدر همی فروخندی، ودرملتان سی من نان بدرهم و سه من
فانید (شکر سبید) بیک درهم بود، وهم دراترانی مشرقی افغانستان تاملتان کیلی بنام
(مطل) مساوی دوازده من زوائی داشت (۱)

استدراک

راجع به مورگرافت سیاح انگلیسی

در شماره هفتم سال بیستم مجله آریانا در مقاله قدیمترین
مسافران انگلیسی درافغانستان ذکری از مورگرافت رفته است .
چون در شرح -الوی نکته ذیل نیز قابل یادآوریست وازان
مقاله فوت شده، بنابراین بطور استدراک آن طبع می شود:

این شخص به انکشاف معلومات آسیای وسطی دلچسپی زیادی داشت، چنانکه
در سنه ۱۲۲۷ هجیر عزت الله قاضی را از اتک برآه ثبت و یار کند به بخارا فرستاد .
میر از بخارا برآه بلخ و حلیم و بامیان و کابل به پشاور برگشت، و در ماه ذیحجه
۱۲۲۸ هجیر واپس ازین سفر رسید .

عزت الله معلومات گرانبهائی درین سفر فرآهم آورد، و روزنامه سفر خود را
نیز نوشت، که برخی از معلومات او را اولسن در مجله چهارماهه کالکته در سال ۱۸۲۵ م
نشر کرد. آغاز مسافرت عزت الله از اتک ۲۷ رجب ۱۲۲۷ هجیر بود . اصل سفرنامه
میر عزت الله اکنون به نمبر ۲۷۲۸ در اندیا آفس موجود است (فهرست مخطوطات
فارسی اندیا آفس از هرمان ایتهی طبع اکسفورد ۱۹۰۳ م)

عبدالحی حبیبی